

تأملی بر دستاوردهای حقوقی برجام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵ / ۲ / ۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵ / ۴ / ۱۰

صالح رضائی پیش رباط*

چکیده

برجام در ازای برخی تعهدات و محدودیت‌ها بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، حقوق و مزایایی برای آن در زمینه‌های هسته‌ای، اقتصادی، مالی، پولی و بیمه‌ای پیش‌بینی کرده است. بسته‌شدن موضوع «ابعاد احتمالی نظامی» برنامه هسته‌ای ایران، خروج کشور از فصل هفت منشور ملل متحد، لغو تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ایالات متحده در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تثبیت حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی هسته‌ای و فناوری آب سنگین و تعیین الزامات حقوقی نرم برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی ایران با دولت‌های پیشرفته هسته‌ای، از جمله مهم‌ترین دستاوردهای حقوقی است که برجام برای کشور در پی داشته است. مقاله حاضر به بررسی و ارزیابی این دستاوردها پرداخته است.

واژگان کلیدی: برجام، شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برنامه هسته‌ای ایران

Srezaie_p@yahoo.com

* استادیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال نوزدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۵ • شماره مسلسل ۷۲

مقدمه

برنامه جامع اقدام مشترک^۱ (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن بیست و یکم در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود. این توافق بین‌المللی که نتیجه بیست ماه مذاکرات رسمی و فشرده بود، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (برابر با ۱۴ جولای ۲۰۱۵) فی‌مابین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ در شهر وین منعقد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اجرایی شد. در خصوص ماهیت این سند بین حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند برجام موافقت‌نامه حقوقی نیست و نمی‌تواند آثار حقوقی داشته باشد (Mardani, 2016: 82).

در مقابل، گروه دیگری از حقوق‌دانان بر این نظرند که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و موازین حقوق ملی ایران، برجام سند حقوقی و معاهده بوده و در چارچوب اصل ۷۷ قانون اساسی مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۶). بر اساس دیدگاه، هر سندی که متضمن تعهد بین‌المللی برای دولت ایران باشد، معاهده است و اینکه چه عنوانی دارد، مؤثر در مقام نیست. مفاد برجام متضمن تعهدات حقوقی برای کشور بوده و معاهده محسوب می‌شود.

برجام خواه معاهده باشد یا نباشد، توافق بین‌المللی با تعهدات مشخص برای طرفین است که می‌بایست اجرا گردند. این توافق بین‌المللی در هر دو طرف (ایران و طرف‌های خارجی) موافقان و مخالفان خاص خود را داشته است. در ایران، برخی از مخالفان، برجام را به معاهده ترکمنچای در قرن نوزده تشبیه کرده و آن را عامل از دست رفتن استقلال و عزت ملی دانستند که سبب نفرین نسل‌ها خواهد شد (خبرگزاری پارسینه، ۱۳۹۴/۱/۲۶). در مقابل، موافقان برجام را مایه عزت و سربلندی و حفظ استقلال کشور و برطرف‌کننده سایه تهدید و زیاده‌خواهی برخی کشورها، رفع‌کننده تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی و تثبیت و شناسایی حقوق هسته‌ای ایران توصیف کردند (عراقچی، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۳/۲۱). در خارج از ایران نیز برجام موافقان و مخالفانی داشته است. بیشتر کشورها از انعقاد برجام استقبال کرده و آن را افتخار دیپلماسی بین‌المللی و تقویت‌کننده صلح و امنیت جهانی قلمداد کردند. اما برخی از جمله رژیم اسرائیل برجام را محکوم و آن را زمینه دسترسی آتی ایران به تسلیحات هسته‌ای دانستند.

1. Join Comprehensive Plan of Action

در آمریکا، کلیت جمهوری خواهان با برجام مخالفت کرده و آن را شکستی برای آمریکا و هم‌پیمانان آن دانستند. در مقابل، دمکرات‌ها آن را پیروزی مهم آمریکا در عرصه دیپلماسی و مهار برنامه هسته‌ای ایران عنوان کردند (New York times, 14 July 2014).

پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که برجام در حوزه حقوقی چه دستاوردهایی برای کشور داشته است؟ نگارنده، ضمن اذعان به محدودیت‌هایی که برجام برای برخی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران به وجود آورده، که می‌توان در نوشتار دیگری به آن‌ها پرداخت، بر این نظر است که این توافق بین‌المللی در پنج زمینه ذیل دستاوردهای حقوقی برای کشور در پی داشته است:

۱. بسته‌شدن موضوع ابعاد نظامی احتمالی برنامه‌های هسته‌ای ایران
 ۲. خروج کشور از چارچوب مقررات فصل هفت منشور سازمان ملل متحد
 ۳. لغو تحریم‌های بین‌المللی
 ۴. تثبیت حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین
 ۵. الزام دولت‌های پیشرفته هسته‌ای به همکاری با ایران در زمینه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای
- نوشتار حاضر با رجوع به اسناد و مدارک ذیربط به بررسی و ارزیابی این دستاوردها پرداخته است.

الف. بسته‌شدن موضوع ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران

از اواخر ۲۰۰۲، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ماهیت برنامه‌های هسته‌ای ایران را نگران‌کننده اعلام کرد (Gov./2011, 5, annex I: 2). در این سال، آژانس با استناد به غیررسمی و آزاد، اعلام کرد که ایران فعالیت‌های زیرزمینی گسترده‌ای را در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین انجام می‌دهد. در فوریه ۲۰۰۴، مدیر کل آژانس طی گزارشی به شورای حکام اظهار داشت که بر اساس اطلاعات ارسالی از طرف دولت ایران، سازمان‌های نظامی آن دولت در ساخت تجهیزات غنی‌سازی هسته‌ای دخالت داشته و کارگاه‌هایی در این خصوص راه‌اندازی کرده‌اند (Gov./2004/11/ para: 37). در پی آن آژانس در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۴، تقاضای دسترسی به سایت

شیان را در لويزان تهران که متعلق به صنایع دفاعی بود، مطرح کرد. ایران با این درخواست موافقت نموده و بازرسان آژانس در ۲۸ جولای وارد سایت شده و نمونه‌برداری محیطی کردند (Gov./2004/60, Para). آژانس در گزارش بعدی خود در نوامبر ۲۰۰۴ اعلام کرد که ایران در سپتامبر ۲۰۰۳ در راکتور تهران بيشموت^۱ رادیودهی کرده است که می‌تواند اهداف نظامی داشته باشد (Gov./2004/83, Para: 8). در پی آن آژانس در ۲۰۰۵، خواستار بازدید از سایت نظامی پارچین می‌شود. پس از موافقت ایران بازرسان آژانس در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۵ و ۱ نوامبر ۲۰۰۵ وارد این سایت شده و نمونه‌برداری محیطی نیز به عمل آوردند. در آن مقطع زمانی، ایران از نظر حقوقی تعهدی به دسترسی دادن به سایت‌های نظامی خود نداشت و این دسترسی‌ها با موافقت داوطلبانه ایران انجام شد. با اینکه آژانس در گزارش خود اعلام کرد هیچ نشانه‌ای مبنی بر انجام فعالیت هسته‌ای در آن سایت پیدا نکرده (Gov./2006/15, para: 52)، اما موضوع مختومه اعلام نشد. در فوریه ۲۰۰۶، ادعاهای آژانس با عنوان جدید "مطالعات ادعایی"^۲ موسوم به پروژه نمک سبز، مربوط به تبدیل دی‌اکسید اورانیوم به Uf4 و نیز آزمایش‌های مربوط به انفجارات با قدرت بالا و طراحی موشک با قابلیت بازگشت،^۳ در مطرح و دنبال شد (Gov./2006/15, Para: 38). ایران ادعاهای آژانس در ارتباط با پروژه نمک سبز و موشک را بی‌اساس دانست، اما به همکاری‌های خود با آژانس برای حل موضوع ادامه داد. در گزارش می ۲۰۰۸ آژانس، عنوان «مطالعات ادعایی» به ابعاد احتمالی نظامی^۴ تغییر یافت (Gov./2008/15, para: 14). در این خصوص، گزارش اخیرالذکر آژانس اعلام داشت: «لازم است ایران مسائل مربوط به مطالعات ادعایی را حل کرده، اطلاعات بیشتری راجع به تحصیل مدرک فلز اورانیوم ارائه نموده، خریدها و فعالیت‌های نهادها و شرکت‌های نظامی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای را روشن نماید و تولید تجهیزات و خدمات به وسیله شرکت‌های متعلق به صنایع دفاعی را توضیح دهد.» این عنوان جدید تا زمان انعقاد برجام در گزارش‌های مدیر کل آژانس به عنوان یکی از موضوعات حل‌نشده باقی ماند.

-
1. Bismouth (عنصر فلزی)
 2. Alleged Studies
 3. Reentry Vehicle
 4. Possible Military Dimensions

در جریان مذاکرات برجام، حل این موضوع در قالب مفهوم «رفع ابهام از مسائل حال و گذشته»^۱ در دستور کار قرار گرفت و در نهایت، مقرراتی به شرح ذیل راجع به آن تصویب شد: «ایران با توافق آژانس نقشه راه برای رفع ابهام از مسائل مورد اختلاف حال و گذشته شامل ترتیباتی برای پرداخت مسائل مورد نگرانی حال و گذشته مربوط به برنامه هسته‌ای ایران مندرج در ضمیمه گزارش ۸ نوامبر ۲۰۱۱ آژانس (Gov./2011/65) را کاملاً اجرا خواهد کرد. اجرای کامل فعالیت‌هایی که ایران بر اساس این نقشه راه بر عهده می‌گیرد تا ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ تکمیل خواهد شد و متعاقباً مدیر کل تا ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ ارزیابی نهایی خود پیرامون حل و فصل تمامی مسائل اختلافی باقی‌مانده گذشته و حال را به شورای حکام ارائه خواهد کرد و کشورهای عضو گروه ۵+۱ به عنوان اعضای شورای حکام، قطعنامه‌ای را برای اتخاذ اقدامات لازم با هدف بسته‌شدن این موضوع بدون خدشه‌دار ساختن صلاحیت شورای حکام ارائه خواهند کرد» (JCPOA, 2015: 14).

با انعقاد برجام، زمینه حقوقی و عملی برای حل مسئله احتمال ارتباط برنامه‌های هسته‌ای ایران با فعالیت‌های نظامی رفع و این مسئله از موضوع هسته‌ای ایران و دستور کار شورای حکام آژانس و شورای امنیت خارج شد. برای حل این مسئله، در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، مدیر کل آژانس و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نقشه راهی را امضا کردند (Gov./INF/2015/14) که بر اساس آن، ایران و آژانس توافق کردند تلاش‌ها و همکاری‌های خود را به منظور حل مسئله تا پایان سال ۲۰۱۵ تسریع و تحکیم بخشند. در این زمینه، ایران توضیحات مکتوب به همراه مدارک مربوط را به آژانس ارائه کرد و آژانس سؤالات و ابهامات خود راجع به توضیحات و مدارک ارائه‌شده را به ایران تسلیم کرد. پس از بررسی‌های لازم، مدیر کل آژانس ارزیابی‌های خود راجع به این مساله را این‌گونه عنوان کرد: «طیفی از فعالیت‌های مربوط به توسعه ادوات انفجاری هسته‌ای در ایران قبل از پایان ۲۰۰۳ و برخی فعالیت‌ها بعد از ۲۰۰۳ انجام یافته است. ارزیابی آژانس این است که این فعالیت‌ها از مطالعات امکان‌سنجی و علمی و تحصیل برخی توانایی‌ها و صلاحیت‌های علمی مربوطه فراتر نرفته است. آژانس هیچ نشانه و دلیل معتبری از انجام فعالیت به وسیله ایران در ارتباط با توسعه ادوات انفجاری هسته‌ای بعد از ۲۰۰۹ نیافته است. آژانس هیچ دلیل معتبری مبنی بر انحراف ماده هسته‌ای به ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران پیدا نکرده است» (Gov./2015/68, Para=85-88).

هرچند مدیر کل آژانس در این گزارش وقوع برخی تخلفات پادمانی از سوی ایران قبل از سال ۲۰۰۹ را یادآور می‌شود، اما در نهایت نتیجه می‌گیرد که بعد از این سال، هیچ دلیلی در اختیار ندارد که انجام فعالیت هسته‌ای نظامی یا انحراف مواد هسته‌ای به فعالیت‌های نظامی توسط ایران را تأیید کند. این نتیجه‌گیری آژانس دستاورد حقوقی بزرگی برای ایران بود، زیرا توانست اتهام ارتباط و انحراف فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران با فعالیت‌های نظامی را برطرف کرده و جایگاه حقوقی بین‌المللی ایران را از وضعیت کشور متهم به دست داشتن در فعالیت‌های نظامی هسته‌ای مخفیانه به کشور با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز شفاف و بی‌ارتباط با موضوعات نظامی هسته‌ای، متحول کند. در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵، شورای حکام آژانس با تصویب قطعنامه‌ای -که پیش‌نویس آن به وسیله دولت‌های ۱+۵ عضو شورای حکام ارائه شد نتیجه‌گیری فوق‌الذکر مدیر کل آژانس را تأیید کرده و بدین ترتیب به مساله ابعاد نظامی احتمالی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران را خاتمه یافته اعلام کرد (Gov./2015/72: 8-9).

ب. خروج کشور از مقررات فصل هفت منشور سازمان ملل متحد

فصل هفتم یکی از فصول نوزده‌گانه منشور سازمان ملل متحد است که شامل سیزده ماده از منشور (۵۱-۳۹) می‌شود... بر اساس این فصل هر گاه شورای امنیت سازمان ملل به این تشخیص برسد که اقدام یا اقدامات یک یا چند دولت، صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید یا آن را نقض کرده است می‌تواند برای حفظ یا استقرار صلح و امنیت بین‌المللی توصیه‌هایی را به دولت یا دولت‌های تهدید یا نقض کننده کرده یا اقداماتی را بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور علیه آن‌ها به عمل آورد (بیگزاده، ۱۳۹۴: ۵۶۷). برای این منظور، شورا می‌تواند از دولت‌های عضو سازمان ملل بخواهد روابط سیاسی، اقتصادی و سایر روابط خود با دولت متخلف را قطع نمایند.

در فوریه ۲۰۰۶، با ارجاع موضوع هسته‌ای ایران از سوی آژانس به شورای امنیت سازمان ملل (Gov./ 2006/14: 2). مقدمات ورود ایران به چارچوب فصل هفتم منشور فراهم گردید. با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت در ۳۱ جولای ۲۰۰۶، ایران به طور رسمی و قطعی ذیل فصل هفت منشور قرار گرفت. قطعنامه مذکور، برنامه هسته‌ای ایران را خطری برای اشاعه تسلیحات هسته‌ای دانسته و بر اساس ماده ۴۰ منشور از ایران خواست بدون هیچ گونه تأخیری خواسته‌های آژانس بر

اساس قطعنامه فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام را که لازمه اعتمادسازی است، عملی نماید (UNSC/Res/ 2006: 1). شورا در قطعنامه بعدی خود در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶، فصل هفت منشور را صریحاً به عنوان مبنای اقدامات خود علیه ایران مورد استناد قرار داد (UNSC/Res 1737, 2006) و بر اساس ماده ۴۱ تحریم‌هایی را علیه آن مقرر کرد. برخورد با ایران ذیل ماده ۴۱ فصل هفت منشور در قطعنامه ۲۴ مارس ۲۰۰۷ شورای امنیت تکرار (UNSC/Res 1747, 2007) و تحریم‌های جدید علیه آن برقرار شد. شورای امنیت در قطعنامه ۹ ژوئن ۲۰۱۰ خود مجدداً با استناد به ماده ۴۱ فصل هفت منشور، تحریم‌های جدید و شدیدتری را علیه ایران تحمیل کرد. اما نکته حساس و متفاوت قطعنامه اخیر شورا با قطعنامه‌های قبلی این بود که شورا در این قطعنامه، با اینکه ماده ۴۱ منشور را مستند تصمیمات خود قرار داد، اما مقرراتی در آن گنجانده که جنس آن از نوع مقررات ماده ۴۲ منشور یا اقدامات متضمن توسل به زور بود.

قطعنامه ۹ ژوئن از تمامی دولت‌های عضو سازمان ملل خواست کشتی‌ها و هواپیماهایی که مشکوک به حمل اقلام ممنوع شده به مقصد ایران هستند را متوقف و بازرسی نمایند. همین‌طور، تمامی دولت‌ها را محق و مکلف به ضبط و توقیف تمامی اقلامی که خرید و فروش و عرضه آن‌ها به ایران منع شده است، نمود (UNSCRes/ 1929, 2010: 14-18). این موارد، اقداماتی هستند که اجرای آن‌ها مستلزم به‌کارگیری قوه قهریه یا زور است که موضوع ماده ۴۲ منشور و نه ماده ۴۱ آن است. این قطعنامه با به کار بردن جمله «دولت‌ها تمام اقدامات لازم^۱ را برای جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک‌های فنی به ایران در ارتباط با فعالیت‌های موشک‌های بالستیک، به کار خواهند گرفت»، سعی کرد توجیه حقوقی توسل به زور علیه ایران را فراهم آورد (UNSCRes/ 1929, 2010: 9). شورا در قطعنامه ژوئن ۲۰۱۰ خود راجع به ایران به جای به کار بردن عبارات «هیچ چیز در این قطعنامه نباید مجوزی برای اقدام نظامی علیه ایران تلقی شود»، به عبارت «این قطعنامه هیچ کشوری را وادار به توسل به زور علیه ایران نمی‌کند (UNSCRes, 1929, 2010, Preamble; 22) بسنده کرد که این نیز اماره‌ای بر قصد تدوین‌کنندگان قطعنامه در مقدمه‌سازی حقوقی برای اقدام نظامی علیه ایران محسوب می‌شد. به‌کارگیری عبارات فوق در قطعنامه با این قصد بوده که دست برخی از دولت‌ها برای توسل به زور علیه ایران باز باشد (نصری، ۱۳۹۴: ۱).

با انعقاد برجام در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ و پس از آن تصویب قطعنامه ۲۱۳۲ شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ شرایط حقوقی برای خروج ایران از چارچوب مقررات فصل هفت منشور فراهم گردید که این را باید یک دستاورد حقوقی بزرگ برای کشور قلمداد نمود. خروج ایران از ذیل فصل هفت منشور یعنی اینکه برنامه‌های هسته‌ای ایران دیگر تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب نمی‌شود و قدرت‌های بزرگ دیگر نمی‌توانند با تهدید تلقی کردن فعالیت‌ها هسته‌ای ایران اعلام کنند که در مورد ایران همه گزینه‌های را روی میز است.

با اجرایی شدن برجام در ۲۶ دی ۱۳۹۴، قطعنامه‌های ۱۶۹۹ (۲۰۰۶)؛ ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)؛ ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)؛ ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)؛ ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)؛ ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) لغو گردید و ایران به طور عملی از ذیل فصل هفت منشور خارج گردید. تجربه نشان می‌دهد که خروج از فصل هفت منشور امر آسانی نبوده و در مواردی سالها طول کشیده است که کشوری از ذیل فصل هفت منشور خارج گردد. به عنوان مثال، عراق در پی حمله به کویت در سال ۱۹۹۰، ذیل فصل هفت منشور قرار گرفت و به رغم سقوط رژیم صدام در ۲۰۰۳ و لغو تحریم‌ها علیه آن، این دولت در نهایت در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ از ذیل این فصل خارج شد (UNSCRes/ 2107, 2013).

ج. لغو تحریم‌های بین‌المللی

فعالیت‌های هسته‌ای ایران منجر به اعمال به گونه تحریم علیه ایران گردید که به اختصار به توضیح آن می‌پردازیم.

۱. تحریم‌ها علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران

۱-۱. تحریم‌های شورای امنیت

تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران با تصویب قطعنامه ۳۱ جولای ۲۰۰۶ شورای امنیت آغاز شد. این قطعنامه که بر اساس فصل هفت و ماده ۴۰ منشور تصویب شد، صرفاً انتقال اقلام، مواد، کالاها و فناوری‌هایی که می‌توانست به فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری و برنامه‌های موشک‌های بالستیک ایران کمک نماید را تحریم و از دولت‌های عضو ملل متحد خواست بر اساس اختیارات قانونی ملی خود از انتقال اقدام مذکور به ایران جلوگیری کنند

(UNSCRes/1696, 2006: 5). در قطعنامه ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران تشدید شده و کمیته‌ای نیز برای نظارت بر اجرای تحریم‌های شورا علیه ایران تأسیس شد. شورا در این قطعنامه از تمامی اعضای سازمان ملل خواست مانع کمک به فعالیت‌های هسته‌ای حساس (غنی‌سازی و بازآوری) یا کمک به توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران شوند؛ ورود یا عبور اشخاص ایرانی - که اسامی آن‌ها ضمیمه قطعنامه شد - به قلمروشان را به کمیته ایجادشده بر اساس این قطعنامه اطلاع دهند. شورا همچنین، از دولت‌ها خواست اموال و دارایی‌های اشخاص ذکرشده در ضمیمه قطعنامه را که به فعالیت‌های هسته‌ای حساس یا توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران کمک کرده‌اند، مسدود کرده و مانع آموزش و تحصیل اتباع ایرانی در دانشگاه‌های خود در رشته‌هایی که می‌تواند به فعالیت‌های هسته‌ای حساس و توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران کمک نماید، بشوند. در نهایت، شورا از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست همکاری‌های فنی خود با ایران را به پروژه‌های غذایی، کشاورزی، پزشکی و ایمنی محدود و از اعطای کمک‌های فنی به فعالیت‌های هسته‌ای حساس آن امتناع کند (UNSCRes/ 1737, 2006, Pares 10, 11, 16, 17, 19).

سومین قطعنامه شورای امنیت، مصوب ۲۴ مارس ۲۰۰۷ ممنوعیت صادرات و واردات اقدام نظامی دفاعی متعارف و منع اعطای وام‌های بین‌المللی به ایران را به فهرست تحریم‌های قبلی سازمان ملل اضافه کرد. بر اساس این قطعنامه شورا ایران را از صدور، فروش، یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هر نوع تسلیحات یا مواد مربوط منع و خرید چنین اقلامی را از ایران یا شهروندان آن توسط سایر دولت‌ها را ممنوع کرد. از تمامی دولت‌ها خواست که عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هر گونه تانک جنگی، ماشین‌آلات جنگی زرهی، سیستم‌های توپخانه‌ای با کالیبر بزرگ، هواپیمای جنگی، بالگردهای جنگی، موشک یا سیستم‌های موشکی را ممنوع کنند. همچنین، از تمامی دولت‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی خواست از اعطای امتیازات و کمک‌های مالی و وام به دولت ایران، به جز برای مقاصد انسان دوستانه و توسعه‌ای امتناع نمایند (UNSCRes/1747, 2007, Pares: 5-7). با تصویب قطعنامه ۳ مارس ۲۰۰۸، شورا موارد جدیدی را به تحریم‌های قبلی خود علیه ایران اضافه کرد. به موجب قطعنامه اخیر، تمامی دولت‌ها ملزم شدند با اتخاذ تدابیر لازم از عرضه، فروش و انتقال مستقیم یا

غیرمستقیم تمامی اقسام فهرست‌شده در سند (Infirc/254.7/Part 2) کالاها و اقسام با مصرف دوگانه در زمینه‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای) جلوگیری و از اعطای تأمین‌های مالی برای حمایت از تجارت با ایران، از جمله اعطای اعتبارات صادراتی، تضمین، بیمه، بیمه اتکایی به منظور پیش‌گیری از کمک به فعالیت‌های حساس هسته‌ای و توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای، امتناع کنند. همچنین، قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواست ارتباطات مؤسسات مالی خود با تمامی بانک‌ها در ایران، به ویژه بانک‌های ملی و صادرات و شعب آن‌ها در خارج را تحت نظر قرار گرفته تا مانع از آن شوند که این ارتباطات منجر به کمک به فعالیت‌های هسته‌ای حساس و توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران شود و نهایتاً، قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواست بر اساس صلاحیت‌های قانونی ملی خود و مطابق با حقوق بین‌الملل، محموله‌های کشتی‌ها و هواپیماهای متعلق به خطوط حمل و نقل ایران را به منظور حصول اطمینان از اینکه حامل کالاهای ممنوع‌شده نیست، بازرسی نمایند (UNSCR/1803, 2008, P; 5-11).

در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ قطعنامه شدید دیگری بر ضد ایران تصویب و موارد تحریمی جدیدی را به تحریم‌های قبلی افزود. شورا در این قطعنامه، ایران را از دریافت بهره فعالیت‌های بازرگانی در کشورهای دیگر که به معدنکاری اورانیوم، تولید یا استفاده مواد و فناوری هسته‌ای ذکر شده در سند 1 INFIRC/254/Rev9/Part، به ویژه مربوط به فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفراوری، فعالیت‌های مربوط به آب سنگین یا فناوری مربوط به موشک‌های بالستیک که قادر به پرتاب تسلیحات هسته‌ای می‌باشند، محروم کرده و از تمامی دولت‌ها خواست از سرمایه‌گذاری ایران، اتباع و شرکت‌ها و مؤسسات آن در سرزمین خود که مربوط به فعالیت‌های مذکور می‌شوند، ممانعت کنند. شورا ایران را از انجام هر نوع فعالیت مربوط به موشک‌های بالستیکی که توان پرتاب سلاح هسته‌ای را دارند، منع کرده و تمامی دولت‌ها را ملزم کرد کلیه اقدامات لازم را به کار گیرند تا از انتقال فناوری یا کمک فنی به این فعالیت‌های ایران جلوگیری نمایند. نهایتاً، قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواست که اعطای خدمات سوخت‌رسانی به کشتی‌های تحت مالکیت یا اختیار ایران را ممنوع کنند (UNSCR/1929, 2010, Pares, 7,9,18).

۱-۲. تحریم‌های اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از ۲۸ دولت واقع در قاره اروپا تشکیل شده و جمعیتی بالغ بر ۵۱۰ میلیون نفر را شامل می‌شود. این اتحادیه دارای هفت نهاد تصمیم‌گیر اصلی (شورای اروپا، شورای اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا، کمیسیون اروپا، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و دیوان محاسبات اروپا^۱) است.

تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای آن، در پی صدور قطعنامه ۱۹۲۹ (ژوئن ۲۰۱۰) شورای امنیت کلید خورد. در ۲۶ جولای ۲۰۱۰، شورای اتحادیه اروپا (به عنوان یکی از دو رکن قانون‌گذاری اتحادیه اروپا، رکن دوم پارلمان اروپاست) طی مصوبه‌ای به شماره 2010/413/CFSP تحریم‌هایی را در زمینه‌های ذیل علیه ایران مقرر کرد.

یک. بخش مالی و بانکی

- ممنوعیت هرگونه رابطه بانکی با نهادهای مالی ایران
- ممنوعیت تأسیس شعب جدید توسط بانک‌های ایران در کشورهای عضو اتحادیه
- ممنوعیت ارائه خدمات بیمه‌ای به نهادهای دولتی ایران
- انتقال وجه به میزان بیش از ۱۰۰۰۰ یورو به ایران باید به اطلاع مقامات دولتی برسد و در صورتی که این میزان از ۴۰۰۰۰ یورو تجاوز کند، انتقال آن منوط به کسب اجازه قبلی خواهد بود

دو. بخش نفت و گاز

- ممنوعیت فروش هرگونه تجهیزات و فناوری مورد استفاده در پالایش، اکتشاف و تولید نفت و گاز طبیعی مایع.
- ممنوعیت کلیه خدمات تجاری، به ویژه تخمین اعتبار صادرات.
- ممنوعیت خدمات بیمه‌ای برای مدت دو سال و بیشتر.
- ترغیب کشورهای عضو به احتیاط و ترجیحاً خودداری از انعقاد قرارداد خدمات بیمه برای مدت کمتر از ۲ سال.
- ممنوعیت هرگونه سرمایه‌گذاری جدید.

سه. بخش حمل و نقل

- بازرسی کشتی‌های مظنون به حمل اقلام ممنوعه در بنادر کشورهای عضو اتحادیه و نیز انجام چنین بازرسی‌هایی با اجازه دولتی که پرچم آن در دریاهای آزاد بر روی کشتی نصب شده است.
- بستن فرودگاه‌ها بر روی پروازهای باری ایران (ایزدی، ۱۳۸۹: ۹).

قبل از ۲۰۱۰، به دلیل منافع اقتصادی و تجاری گسترده‌ای که برخی از اعضای اتحادیه اروپا، به ویژه ایتالیا، اسپانیا و آلمان در معامله با ایران داشتند، اعمال تحریم از سوی اتحادیه اروپا علیه ایران با موانع جدی روبه‌رو بود؛ اما تغییر برداشت اتحادیه اروپا از تهدید ایران و نزدیکی خط‌مشی آن به سیاست‌های آمریکا، این اتحادیه را بر آن داشت که در جولای ۲۰۱۰، منافع جداگانه دولت‌ها را کنار گذاشته و در مورد اعمال تحریم علیه ایران به رویکرد واحدی برسد. بیشتر موارد تحریم در مصوبه ۲۰۱۰ شورای اتحادیه اروپا، همان تحریم‌هایی بودند که در قطعنامه‌های شورای امنیت مقرر شده بود، اما موارد جدیدی نیز وجود داشت که در قطعنامه‌های شورای امنیت مقرر نشده بودند که از جمله آن‌ها می‌توان به فهرست جدیدی از افراد و شرکت‌ها که اموال و دارایی آن‌ها می‌بایست مسدود می‌شد، اشاره کرد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۸).

در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، شورای اتحادیه اروپا طی مصوبه 2012/32/CFSP که مصوبه ۲۰۱۰ آن را اصلاح می‌کرد، تحریم‌ها علیه ایران را تشدید کرد. ممنوعیت واردات، خرید، حمل و نقل نفت خام و فرآورده‌های نفتی ایران، ممنوعیت واردات، خرید یا حمل و نقل محصولات پتروشیمی ایران، ممنوعیت خرید یا فروش مستقیم یا غیرمستقیم طلا، فلزات گران‌بها و الماس به ایران و نهادهای عمومی، شرکت‌ها و بانک مرکزی آن، از جمله تحریم‌های جدید این اتحادیه بود (Concil decision 2012/CFSP of 23 Jan. 2013).

۱-۳. تحریم‌های ایالات متحده آمریکا

تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران دلایل و گونه‌های مختلفی دارد. برخی از تحریم‌ها به وسیله کنگره و به صورت قانون تصویب و برخی دیگر توسط قوه مجریه من جمله از طریق فرمان‌های رئیس‌جمهور، صادر و اجرایی شده‌اند. آمریکا دو نوع تحریم (اولیه و ثانویه) را در مورد ایران

اعمال کرده است. تحریم‌های اولیه، تحریم‌هایی است که صرفاً روابط اقتصادی، تجاری و ... در دولت مورد تحریم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما تحریم‌های ثانویه تحریم‌هایی هستند که در آن دامنه تحریم به دولت‌های ثالث و اتباع و شرکت‌های آن‌ها نیز تسری می‌یابد.

در تحریم ثانویه، تحریم‌کننده محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی بر نهادهای عمومی و خصوصی دولت ثالثی که با دولت مورد تحریم مراد برقرار می‌کنند، وضع می‌کند (Morrison-Forester, 2016: 1). قانون ۱۹۱۶ آمریکا (قانون داماتو) از جمله قوانین آمریکا بود که تحریم‌های ثانویه را در مورد ایران مقرر کرد. بر اساس این قانون، شرکت‌هایی که در ایران در یک سال بیش از بیست میلیون دلار در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند، از تجارت با دولت آمریکا محروم خواهند شد (Katzman, 2007: 2).

نخستین تحریم آمریکا علیه ایران، در نوامبر ۱۹۷۹ و در پی اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) اعمال شد. در این تاریخ، رئیس جمهور وقت آمریکا با صدور فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰، ۱۲ میلیارد از دارایی‌های ایران در آمریکا، از جمله سپرده‌های بانکی، طلا و اموال دیگر را مسدود کرد. به دنبال هجوم عراق به ایران، تحریم‌های آمریکا علیه ایران افزایش یافت. در سال ۱۹۸۴ آمریکا فروش تسلیحات و اعطای هر نوع کمک به ایران را ممنوع کرد. در مارس ۱۹۹۵، رئیس جمهوری وقت آمریکا، کلینتون، با صدور فرمان شماره ۱۲۹۵۷، تجارت آمریکا با ایران در زمینه صنایع نفتی و در می همان سال با صدور فرمان شماره ۱۲۹۵۹، هر گونه تجارت آمریکا با ایران را ممنوع اعلام کرد. همچنین، کنگره آمریکا قانون تحریم‌های ایران-لیبی را تصویب و بر اساس آن، برای تمامی شرکت‌های خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفتی ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، محدودیت‌ها و مجازات‌هایی در آمریکا تعیین کرد (غمامی، ۱۳۹۲: ۵). تحریم‌های آمریکا علیه ایران به سبب برنامه‌های هسته‌ای آن، پس از ۲۰۰۵ آغاز شد. در ژوئن ۲۰۰۵ جرج دبلیو بوش، با صدور فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ دارایی‌های اشخاص مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را بلوکه کرد. در ژوئن ۲۰۰۷ ایالت فلوریدای آمریکا طی مصوبه‌ای شرکت‌هایی که با ایران تجارت می‌کنند را تحت تحریم قرار داد. در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰، مجلس سنا و نمایندگان آمریکا قانون تحریم‌ها، پاسخ‌گویی و منع سرمایه‌گذاری^۱

جامع ایران را تصویب کرد. بر اساس این قانون، محدودیت‌ها علیه ایران افزایش یافت. منع ورود هر نوع کالا با منشأ ایرانی از هر کشوری به آمریکا از جمله این محدودیت‌ها به شمار می‌آمدند (Rennak, 2016: 7). آمریکا، هم‌زمان با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه خود، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را نیز با تصویب سازوکارهای ملی به اجرا گذاشت.

۲. برجام و لغو تحریم‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران

از همان ابتدای مذاکرات، لغو تحریم‌های بین‌المللی گوناگون علیه ایران، یکی از خواسته‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران در توافق جامع بود. در توافق موقت ژنو در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ (برنامه اقدام مشترک) ۵+۱ و اتحادیه اروپا متعهد شدند تا زمان حصول توافق جامع هسته‌ای (برجام) تحریم جدیدی علیه ایران وضع ننموده و تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه صادرات پتروشیمی، طلا و فلزات گران‌بها و اتومبیل به حالت تعلیق درآید. در جریان مذاکرات، یکی از بحث‌های جدی میان طرفین که بسیار هم‌زمان بر شد، زمان و چگونگی لغو تحریم بود. ایران اصرار داشت تحریم به تدریج و هم‌زمان با اجرای تعهدات از سوی ایران برداشته شود که طرف مقابل مقاومت کرد و نهایتاً در برجام توافق شد که بخشی از تحریم‌ها پس از انجام تعهدات ایران و راستی‌آزمایی آن‌ها به وسیله آژانس بین‌المللی انرژی (JCPOA, 2015, Annex 5, Pares 15-17) و بخشی دیگر از روز انتقال یا ۸ سال از تاریخ قبول برجام برداشته شود (JCPOA, 2-15, Annex 5, Pares 19-21).

بر اساس برجام، توافق شد هر سه تحریم مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای علیه ایران (تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های اتحادیه اروپا و تحریم‌های ایالات متحده آمریکا) برداشته شود. اتحادیه اروپا متعهد شد محدودیت‌ها و تحریم‌های خود علیه ایران را در زمینه‌های امور مالی، بانکی و بیمه، بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل‌ونقل، طلا، سایر فلزات گران‌بها، اسکناس و سکه، تدابیر مرتبط با اشاعه هسته‌ای، فلزات، نرم‌افزار، اشخاص حقیقی، حقوقی یا نهادهای ایرانی که دارایی آن‌ها توقیف و ممنوع‌الورود شده‌اند را لغو نماید.

ایالات متحده نیز متعهد شد محدودیت‌ها و تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران را در زمینه‌های بانکی و مالی، بیمه، بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی، کشتیرانی و کشتی‌سازی بنادر، طلا و سایر فلزات گران‌بها، نرم‌افزار و فلزات، خودروسازی، اقدامات مرتبط با منع اشاعه

تسلیحات هسته‌ای و سایر تدابیر مرتبط با تجارت را رفع نماید. نهایتاً بر اساس برجام توافق شد تحریم های شورای امنیت علیه ایران نیز با تصویب قطعنامه جدیدی از سوی آن لغو گردد (JCPOA, Preamble, 2015, Paras, I and v در ۲۰ جولای ۲۰۱۵ قطعنامه مورد نظر را تصویب کرد (UNSCR/2231, 2015).

در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ مدیر کل آژانس طی گزارشی به شورای حکام اعلام کرد ایران تمام تعهدات خود بر اساس برجام را انجام داده است (Gov./INF, 2016: 1). در پی این راستی‌آزمایی آژانس، قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت در همان روز (۱۶ ژانویه) به طور عملی لغو شدند. (The Guardian, 16 Jan, 2016). در همین تاریخ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اتحادیه اروپا نیز تحریم‌های خود علیه ایران، به نحو مندرج در برجام را لغو نمود^۱ (EU Information note 23 Jan 2016, P: 9). همین‌طور، رئیس جمهور آمریکا نیز با صدور فرمان اجرایی در ۱۶ ژانویه، تحریم‌های خود علیه ایران به شرح مقرر در برجام را برداشت (Korte, Grogory, US today, 16 Jan 2016).

د. تثبیت حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین

دانش و فناوری مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری هسته‌ای و آب سنگین و راکتورهای آب سنگین، در زمره دانش و فناوری‌های هسته‌ای حساس محسوب می‌شود. تصور بر این است که دولتی که به توان غنی‌سازی هسته‌ای برای تولید سوخت نیروگاه‌های آب سبک خود دست پیدا می‌کند، بالقوه از این توان برخوردار می‌شود که با افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم به بیشتر از ۹۵ درصد، به تولید ماده اولیه ساخت تسلیحات هسته‌ای تولید دست پیدا کند. به عبارت دیگر، کشوری که می‌تواند غنی‌سازی در حد ۵ درصد برای تولید سوخت راکتورهای قدرت را انجام دهد، در مدت زمان کوتاهی می‌تواند با چرخش سیاست خود به سمت افزایش درصد غنی‌سازی به سوی تولید بمب اتم حرکت نماید. بازفرآوری هسته‌ای نیز به این سبب که توان جداسازی پلوتونیوم (ماده‌ای قوی‌تر از اورانیوم) را به دولت دارنده دانش و فناوری بازآوری می‌دهد، در زمره فناوری‌های حساس تلقی شده است. اورانیوم ماده طبیعی است، اما پلوتونیوم در طبیعت وجود نداشته و طی فرآیندی از

1. Lifted

سوخت مصرف شده^۱ حاصل می‌شود. سوخت مصرف شده پس از عمل بازفرآوری دارای ۲ محصول پلوتونیوم و پسمان^۲ می‌شود که پسمان غیرقابل استفاده شده و می‌بایست به روش ایمن دفن شود. اما پلوتونیوم به عنوان ماده اولیه سوخت راکتورها قابل استفاده مجدد در راکتورهاست. همانند اورانیوم، چنانچه پلوتونیوم بیش از ۹۵ درصد غنی شود، می‌تواند به عنوان ماده اولیه بمب‌های هسته‌ای پلوتونیومی که به مراتب قوی‌تر از بمب‌های اورانیومی هستند، تبدیل شود. این واقعیت سبب شد، فناوری بازفرآوری هسته‌ای جزو فناوری‌های هسته‌ای حساس قلمداد شده و مبادلات بین‌المللی آن، همانند غنی‌سازی تابع محدودیت‌ها و شرایط خاصی شود (Goldschmith, 2006: 7). آب سنگین و راکتورهای آب سنگین نیز به این لحاظ از حساسیت برخوردار شده‌اند که در تولید پلوتونیوم نقش مهمی دارند. ایران در استراتژی انرژی هسته‌ای خود، تولید برق از هر دو روش راکتورهای آب سبک و آب سنگین را پیش‌بینی کرد. در کنار ساخت تأسیسات فرآوری و غنی‌سازی اورانیوم در اصفهان و نطنز برای تأمین سوخت راکتورهای آب سبک، به احداث کارخانه تولید آب سنگین و راکتور آب سنگین را صرفاً برای اهداف تحقیقاتی و صلح‌آمیز در اراک اقدام نمود (squassoni, 2007: 6).

با آشکارشدن توانایی‌های ایران در زمینه غنی‌سازی هسته‌ای و آب سنگین در اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی، تلاش‌های دشمنان برای غیرمشروع جلوه‌دادن این توانایی‌ها آغاز و در این خصوص سازوکارها و امکانات حقوقی سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت) به منظور منع ایران از تداوم فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و آب سنگین و نهایتاً تعطیلی آن‌ها به کار گرفته شد. از سوی این سازمان‌ها، ده‌ها قطعنامه با هدف ایجاد تزلزل در مبانی حقوقی فعالیت‌های غنی‌سازی و آب سنگین ایران تصویب شد. هرچند این قطعنامه‌ها ناعادلانه با موازین عدالت سازگار نبودند، اما به لحاظ مقررات حقوق بین‌المللی الزام‌آور و از اعتبار حقوقی برخوردار بودند. حتی از جهت حقوقی، این قطعنامه‌ها، نسبت به مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که حق دولت‌ها بر غنی‌سازی و تولید آب سنگین و راکتور آب سنگین برای اهداف صلح‌آمیز را تأیید کرده، تقدم و برتری

1. Spent fuel
2. Waste

داشتند. بر اساس مقررات منشور سازمان ملل، قطعنامه‌های شورای امنیت، بر مقررات هر معاهده بین‌المللی برتری دارد (UN charter, 1945, Art: 103). رویه قضایی بین‌المللی نیز این برتری را تأیید کرده است (ICJ Reports, 1998: 36).

۱. تزلزل مبانی حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و فعالیت‌های آب سنگین

شورا حکام در اولین قطعنامه خود راجع به برنامه هسته‌ای ایران در سپتامبر ۲۰۰۳، خواستار تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی از سوی کشور شد (Gov./23/69, 2003, Para: 3). شورای حکام در ۱۱ قطعنامه بعدی خود این درخواست را تکرار کرد (متن این قطعنامه‌ها در سایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موجود است). با ارجاع موضوع ایران به شورای امنیت، درخواست تعلیق آژانس به وسیله شورای امنیت نیز تأیید تکرار شد. شورای امنیت در قطعنامه ۳۱ جولای ۲۰۰۶، از ایران خواست تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی از جمله تحقیق و توسعه را به حالت تعلیق درآورد (UNSCR/1696, 2006: 2). آن از تمامی دولت‌ها نیز خواست از کمک به ایران در این زمینه امتناع نمایند. این خواسته شورای امنیت، در قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ آن تکرار گردید.

در خصوص فعالیت‌های مربوط به آب سنگین نیز آژانس و شورای امنیت درخواست‌های مشابهی را عنوان کردند. شورای حکام در قطعنامه ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ خود ساخت رآکتور آب سنگین در اراک را نگران‌کننده دانست و خواستار تجدید نظر در ساخت آن شد (Gov./ 2004, 49, Para: 8) و در قطعنامه‌های بعدی خود تا قبل از برجام این درخواست را تکرار کرد. پس از ارجاع موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت، این شورا نیز در دومین قطعنامه خود به تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶، ضمن تکرار درخواست آژانس مبنی بر تجدید نظر در ساخت رآکتور آب سنگین اراک، خواستار تعلیق تمام پروژه‌های مربوط به آب سنگین شد و از تمامی دولت‌ها خواست از کمک به ایران در این زمینه خودداری نمایند (UNSCR/1137, 2006: 1-3). تعلیق تمامی فعالیت‌های مربوط به آب سنگین و تحریم بین‌المللی ایران در این زمینه، در تمامی قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت راجع به ایران تا قبل از برجام تکرار شد.

هرچند ایران به این قطعنامه‌ها و قعی نهاد و به فعالیت‌های خود در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین ادامه داد، اما از منظر حقوقی، همان‌گونه که اشاره شد، این قطعنامه‌ها از اعتبار حقوقی برخوردار بوده و در عمل از سوی اعضای سازمان ملل رعایت شدند. این قطعنامه‌ها با درخواست از ایران مبنی بر بازنگری در ساخت راکتور اراک، تعلیق، فعالیت‌های آب سنگین و غنی‌سازی هسته‌ای، مبانی اعمال حقوق کشور در این زمینه را متزلزل ساختند. به گونه‌ای که حتی در جریان مذاکرات برجام، برخی از دولت‌ها منکر حقی برای ایران در زمینه غنی‌سازی شدند.

۲. برجام و تثبیت حقوق ایران در غنی‌سازی و فعالیت‌های آب سنگین

با انعقاد و اجرایی شدن برجام، نه تنها تمامی موانع حقوقی (قطعنامه‌های آژانس و شورای امنیت) ممنوعیت ایران در استیفای حقوق خود در زمینه غنی‌سازی و فعالیت‌های آب سنگین رفع شد، بلکه به صورت ایجابی نیز در مقررات برجام مورد تأیید و تثبیت قرار گرفت. بر اساس برجام، حق ایران مبنی بر انجام غنی‌سازی و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، از جمله تحقیق و توسعه تصدیق شد، اما با قبول این محدودیت از سوی ایران که تا ۱۵ سال فعالیت‌های غنی‌سازی خود تا سقف ۳/۶۷ فقط در سایت نطنز انجام دهد و مازاد بیش از ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا ۳/۶۷ را بر اساس قیمت‌های بین‌المللی به فروش رسانده و یا با اورانیوم طبیعی تعویض کند. تا ۱۰ سال تعداد سانتریفیوژها در نطنز از ۵۰۶۰ تجاوز نکند و تا ۱۰ سال، فعالیت‌های تحقیق و توسعه ایران در ارتباط با غنی‌سازی اورانیوم با سانتریفیوژهای IR-4، IR-5، IR-6 و IR-8 انجام شود (JCPOA, 2015, Para: 2-7).

در خصوص فعالیت‌های آب سنگین نیز موافقت شد راکتور آب سنگین اراک پس از طراحی آن و کاهش ظرفیت آن از ۴۰ مگاوات به ۲۰ مگاوات و همین‌طور تغییر سوخت آن به ۳/۶۷، باقی بماند. ایران پس از ۱۵ سال اختیار احداث سایر راکتورهای آب سنگین را داشته باشد. کارخانه آب سنگین اراک با همان شکل موجود، باقی بماند و تولید آب سنگین را ادامه دهد، اما با این محدودیت که تا ۱۵ سال آب سنگین مازاد بر مصرف داخلی خود را در بازارهای بین‌المللی عرضه نماید (JCPOA, 2015, Para, 8-10). با اینکه وجود این محدودیت‌ها برای کشور خوشایند نیست، اما به عنوان مابه‌ازای به رسمیت شناختن اصل حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی و فعالیت‌های آب

سنگین و لغو تحریم‌ها قابل توجه بوده و دستاورد و موفقیت مهمی محسوب می‌شود. اساساً تمام توافقات بین‌المللی چنین ویژگی دارند و اساس آن‌ها را بده و بستان‌های طرفین تشکیل می‌دهد و برجرام نیز از این قاعده تبعیت کرده است. برخی از نویسندگان متذکر شده‌اند که حق غنی‌سازی (Right to enrichment) صریحاً در برجرام ذکر نشده و برجرام صرفاً اجازه غنی‌سازی را با محدودیت‌هایی به ایران داده است (Katzman, 20, 2016: 7). در پاسخ باید گفت عدم قید صریح «حق غنی‌سازی» تأثیری در تصدیق بهره‌مندی ایران از غنی‌سازی هسته‌ای نداشته و در هر حال ایران به فعالیت غنی‌سازی خود با محدودیت‌هایی موقت ادامه خواهد داد و اینکه اسم آن را حق گذاریم یا امتیاز، فایده عملی در پی نخواهد داشت.

ه. الزام دولت‌های پیشرفته به همکاری با ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای

برجرام، ضمن پیوست سه خود، دولت‌های ۵+۱ و اتحادیه اروپا را ملزم به همکاری با ایران در زمینه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کرده است. آن ۵+۱ و اتحادیه اروپا را مشخصاً در زمینه‌های ذیل متعهد (Undertake) به همکاری با ایران کرده است (JCPOA, JCPOA, Annex, 2015, Paras 4-16):

- راکتورها، سوخت‌ها و فناوری‌ها، تأسیسات و فرآیندهای مربوطه.
 - پروژه مدرن‌سازی راکتور اراک
 - تأمین سوخت جدید
 - فعالیت‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای
 - ایمنی، پادمان و امنیت هسته‌ای
 - پزشکی هسته‌ای
 - پسمانداری و از کاراندازی تأسیسات هسته‌ای
 - ساخت آب‌شیرین‌کن‌های هسته‌ای و توسعه فناوری لیزر برای کاربردهای پزشکی.
- هرچند به لحاظ حقوقی ماهیت این الزامات (الزام به همکاری) از نوع حقوق نرم است، و عملی شدن آن منوط به انعقاد قراردادها یا موافقت‌های جداگانه است، اما پیش‌بینی آن در برجرام نکته مثبتی است و می‌تواند پیشرفت هسته‌ای کشور را تسهیل و تسریع نماید. قبل از برجرام، اعضای اتحادیه اروپا و ۵+۱ ملزم به قطع همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران بودند، اما پس از

برجام این الزام برداشته شده و جای خود را به تعهد به همکاری داده است. آثار الزام به همکاری‌های بین‌المللی هسته‌ای در مدت کوتاهی از عمر اجرایی‌شدن برجام نیز در عمل مشهود بوده است. دومین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس شورای اسلامی تأثیرات عملی الزام دولت‌های پیشرفته هسته‌ای به همکاری با ایران در زمینه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را این‌گونه گزارش کرده است:

«پیش از اجرائی‌شدن برجام، با توجه به شماری از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هر گونه همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران ممنوع بوده و حتی نمایندگان کشورمان با محدودیت‌های متعددی برای حضور در جلسات فنی روبه‌رو بودند. با اجرایی‌شدن برجام و برداشته‌شدن این محدودیت‌ها به تدریج همکاری‌های دوجانبه، بین‌المللی و یا در قالب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز شد و از جمله امکان حضور نمایندگان کشورمان در مجامع علمی و تحقیقاتی و همکاری با دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط فراهم شده است. در مجموع، روند رو به رشدی مشاهده می‌شود که دستاوردهای بلندمدتی برای کشورمان در پی خواهد داشت... در سطح بین‌المللی رویکرد گزارش‌های مدیر کل آژانس عمدتاً روند مثبتی داشته است. این روند مثبت در موضوعات فنی نیز مشاهده می‌شود، کما اینکه پس از اجرای برجام، امکان بازنگری در فعالیت‌های مرتبط با پروژه‌های ملی (در قالب TC) که پیش از اجرای برجام از سوی آژانس مورد موافقت قرار نگرفته بود، فراهم شده است... پیش از اجرای برجام از ۴۶ مورد از این پروژه‌ها، ایران مجاز به شرکت در ۳۱ پروژه بود که در ۷ مورد به صورت موردی و بر حسب نوع فعالیت مجوز حضور داده می‌شد و در ۸ پروژه هم از ایران دعوت به عمل نمی‌آمد. پس از اجرای برجام، نمایندگان ایران برای شرکت در کلیه ۴۶ پروژه دعوت شده‌اند.

در پیش از اجرای برجام، کارشناسان کشور در چهار کمیته آژانس شامل NUSSC (کمیته استانداردهای ایمنی هسته‌ای)، WASSC (کمیته استانداردهای ایمنی پسماند)، RASSC (کمیته استانداردهای ایمنی پرتوی) و TRANSSC (کمیته استانداردهای ایمنی حمل‌ونقل)، امکان

حضور نداشتند. لیکن پس از برجام با رفع محدودیت‌ها، نمایندگان سازمان انرژی اتمی ایران در کلیه جلسات کمیته‌های چهارگانه مشارکت مؤثر دارند.

پس از اجرای برجام جلسات و مذاکرات متعددی میان کارشناسان اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در بروکسل و تهران برای اجرایی کردن طرح‌های همکاری در حوزه ایمنی هسته‌ای برگزار شده و طرح‌های پیشنهادی در حوزه ایمنی هسته‌ای در حال تکمیل است. در پی سفر کمیسیون انرژی اتحادیه اروپا به ایران و انتشار بیانیه مشترک همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای، دو طرف برای ارتقاء همکاری ابراز تمایل کرده و گام‌های اولیه برای تعیین چارچوب همکاری و محورهای مورد علاقه طرفین برداشته شده است. همچنین، بنا به دعوت اتحادیه اروپا، کارشناسان حوزه نیروگاهی کشور در دوره تخصصی مرتبط با آزمودن استرس نیروگاه‌های هسته‌ای در بروکسل شرکت کردند. " (دومین گزارش اجرای برجام، وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵/۴/۲۶).

این گزارش به اختصار اتفاقات مثبتی که در چند ماه اخیر پس از اجرایی شدن برجام در زمینه همکاری‌های هسته‌ای با ایران رخ داده را نشان داده است. حصول به این مقدار از همکاری بین‌المللی هسته‌ای، در مدت زمان کوتاه، دسآورد حقوقی مثبتی برای کشور محسوب می‌شود و ضمن تقویت زمینه‌های علمی و فنی کشور در حوزه هسته‌ای، می‌تواند اعتبار و جایگاه ایران در سطح بین‌المللی را ارتقا بخشد. هرچند همکاری‌های هسته‌ای بین‌المللی ایران در ابتدای راه است، اما اندک پیشرفتی هم که در این خصوص حاصل شده، دستآورد کم‌اهمیتی محسوب نمی‌شود. اهمیت این موضوع آنگاه بهتر درک می‌شود که بدانیم همکاری بین‌المللی هسته‌ای میان کشورها به سطح روابط سیاسی- راهبردی بالایی نیاز دارند و اکنون که برجام زمینه‌ها و مقدمات این همکاری را فراهم آورده، لازم است کشور با مدیریت هوشمند خود از فرصت‌ها و شرایط مثبت موجود بهره کافی برای توسعه هسته‌ای ببرد.

نتیجه گیری

هسته اصلی هر توافق بین‌المللی دادن یا از دست دادن چیزی در مقابل به دست آوردن یا ستاندن چیز دیگری است. بر حسب شرایط طرفین، مابه‌ازای توافق ممکن است در مواقعی متعادل و در مواردی دیگر نامتوازن باشد. برجام نیز به عنوان توافق بین‌المللی از همین اصل تبعیت کرده و از یک سو، حقوق و امتیاز و از سوی دیگر تعهد و محدودیت برای کشور در پی داشته است. حقوق و امتیازات، دستاوردها و موفقیت‌های برجام هستند که در زمینه‌های مختلف، از جمله حقوقی نمود پیدا کرده‌اند. در حوزه حقوقی، برجام دستاوردهای مهمی داشته است که مقاله حاضر به توضیح و ارزیابی آن‌ها پرداخت. در نیجه برجام، اصل حقوق کشور در زمینه غنی‌سازی و آب سنگین تثبیت گردید، ابهام احتمال فعالیت نظامی در برنامه های هسته‌ای ایران برطرف شد، کشور از فصل هفت منشور خارج گردید، تحریم‌های شورای امنیت علیه آن برداشته شد، تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا لغو گردید و زمینه همکاری بین‌المللی با برخی از کشورهای پیشرفته هسته‌ای فراهم آمد. این موفقیت‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. عملی شدن کامل این موارد مستلزم گذشت زمان است و نباید بدعهدی دولت خاصی در اجرای تعهدات برجامی خود، ناکامی کامل برجام تلقی شود. موفقیت‌های حقوقی ایران در برجام را نباید صرفاً به لغو عملی تمامی تحریم‌ها محدود کرد و سایر دستاوردهای آن را نادیده گرفت. برجام دستاوردهای دیگری نیز داشت که اگر نمی‌بودند شرایط بین‌المللی و حتی داخلی کشور قطعاً به شکلی که اکنون هست نمی‌بود. برجام با برطرف کردن برخی مشکلات حقوقی بین‌المللی مهم، فضای بین‌المللی مساعد و مناسبی به وجود آورده که استفاده مدبرانه از آن می‌تواند پیشرفت‌های مهمی را برای کشور در پی داشته باشد. مدیریت کلان کشور برای استفاده حداکثری از این فضا باید برنامه‌ریزی نماید و هر اندازه این برنامه‌ریزی قوی‌تر باشد، میزان بهره‌مندی از آن نیز بیشتر خواهد شد. تحقق کامل دستاوردهای حقوقی برجام در عمل مستلزم گذشت زمان است و قطعاً در این مسیر با مشکلاتی نیز مواجه خواهد شد، همان‌گونه که اکنون مواجه شده است. کشور می‌تواند با مدیریت مناسب پس‌برجامی، ضمن فائق آمدن بر مشکلات اجرای عملی برجام، بیشترین بهره‌مندی‌ها را از شرایط بین‌المللی به وجود آمده در جهت پیشرفت و مصالح ملی عمل آورد؛ و سخن آخر اینکه اکنون برجام، با معایب و مزایایش اجرا شده و در این مقطع زمانی، آنچه مهم می‌نماید، استفاده از جوانب مثبت آن برای تحقق اهداف عالی کشور است. موانع و مشکلات به وجود آمده از سوی برخی کشورها در اجرای آن نیز باید با دیپلماسی مدبرانه مرتفع شود.

منابع

- «متن کامل اولین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام»، *خبرگزاری تسنیم*، ۱۳۹۵/۱/۲۹
- «متن کامل دومین گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام»، *خبرگزاری تسنیم*، ۱۳۹۵/۵/۲۶
- «متن طرح اقدام متناسب دولت در اجرای برجام»، *خبرگزاری تسنیم*، ۹۴/۷/۲۱
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۹) «تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران: ابعاد، دلایل و پیامدها»، *گزارش راهبردی*، شماره ۳۱۹، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۴) *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- غمامی، سید مهدی (۱۳۹۲) «تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه ایران»، *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، تابستان.
- فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۴) «بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشکده شورای نگهبان*، ۹۴/۶/۱۰
- Albright, A. Stricker, A. and Kelleher- Vergantini, S. (2015) "Analysis of the IAEA Report on the Possible Military Dimensions of Iran's Nuclear Program ISIS Report".
- Cooperation between the Islamic Republic of Iran and the Agency in the light of United Nations Security Council Resolution 1737 (2006) *Report by the Director General*, GOV/2007/7 Date: 9 February 2007.
- COUNCIL REGULATION (EU) 2015/1861 of 18 October 2015 amending Regulation (EU) No 267/2012 concerning restrictive measures against Iran.
- Goldschmidt, P. (2006) "The Urgent Need to Strengthen the Nuclear Non-Proliferation Regime policy", <http://fpc.state.gov/documents/organization/212999.pdf>, (Consulted 4 December 2013).
- IAEA Safety Glossary, IAEA, Vienna 2016,
- Implementation of the NPT Safeguards Agreement and relevant provisions of Security Council resolutions in the Islamic Republic of Iran *Report by the Director General*, GOV/2011/65 Date: 8 November 2011
- Implementation of the NPT safeguards agreement in the Islamic Republic of Iran *Report by the Director General*, GOV/2003/40: 6 June 2003
- Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran Resolution adopted on 4 February 2006. GOV/2006/14 Date: 4 February 2006
- Iran-EU joint statement on Cooperation in the field of nuclear energy, April 17 2016
- Joint Comprehensive Plan of Action implementation and verification and monitoring in the Islamic Republic of Iran in light of United Nations Security Council Resolution 2231

- (2015), Resolution adopted by the Board of Governors on 15 December 2015, IGOV/2015/72
- Katzman, K. (2013) "Iran Sanctions. Washington D.C.: Congressional Research Service Report for Congress, July 26".
- Kajani, T & Szabados, S. (2014) The IAEA Right to Visit Sites Accused of Developing Nuclear Weapons Systems: The Parchin Facility in Iran, AMSTERDAM LAW FORUM VOL 6: 2.
- Mardani, N. & Hooshmand, M.M (2016) "JCPOA: A Dialectical Paradigm of Treaty and other International Instruments", **Journal of Politics and Law**, Vol. 9, No. 3, Published by Canadian Center of Science and Education.
- Morrison, F. (2015) "UN Sanctions: Change is Coming, But Risks and Uncertainties Remain", **Client Alert**.
Outlook Carnegie endowment for international peace.
- Rennack, D.E (January 22, 2016) "Iran: U.S. Economic Sanctions and the Authority to Lift Restrictions", Congressional Research Service.
- Resolution 1696 (2006) Adopted by the Security Council at its 5500th meeting, on 31 July 2006
- Resolution 1737 (2006) Adopted by the Security Council at its 5612th meeting, on 23 December 2006
- Resolution 1747 (2007) Adopted by the Security Council at its 5647th meeting on 24 March 2007
- Resolution 1929 (2010) Adopted by the Security Council at its 6335th meeting, on 9 June 2010
- Resolution 2231 (2015) Adopted by the Security Council at its 7488th meeting, on 20 July 2015
- Salehi, Ali Akbar (2010) Vice President of the Islamic Republic of Iran and Head of Atomic Energy Organization of Iran. At IAEA 57th General conference (GC/ 54).
- Schott, J. (fall 2008) "Chapter VII as Exception: Security Council Action and the Regulative Ideal of Emergency", **Northwestern Journal of International Human Rights**, Volume 6 / Issue 1.
- Serna Galván, M. (2011) "INTERPRETATION OF ARTICLE 39 OF THE UN CHARTER (THREAT TO THE PEACE) BY THE SECURITY COUNCIL. IS THE SECURITY COUNCIL A LEGISLATOR FOR THE ENTIRE INTERNATIONAL COMMUNITY?" Instituto de Investigaciones Jurídicas - UNAM, in www.juridicas.unam.mx
- Squassoni, S. (2007) "Iran Nuclear Program: Recent Developments", **CRS Report for Congress Order**, Code RS21592, Updated March 8.
- The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA, 14 July 2015).
- United States Participation in the United Nations: A Report by the Secretary of state to kongreesss for yaer 2007